

وطن امروز

تیتراهای امروز

اعلام آماده‌باش سپاه برای انتقام سخت از آل سعود در هر زمان و مکان توسط سرلشکر جعفری

انتقام خواهیم گرفت

جهان اسلام از خیانت‌ها و جهالت‌های ابولهب گونه آل سعود به ستوه آمده است



صفحه ۲

دبیر خانه حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد فاجعه منا قضا و قدر نیست

لزوم تشکیل کمیته حقیقت‌یاب

صفحه ۱۵

«مرگ بر آمریکا» شناسنامه ماست

صفحه ۱۲

قدرت‌نمایی ائتلاف چهار جانبه ضد تروریستی حامیان تروریسم را نگران کرده است

اشک‌های او با ما برای تکفیری‌ها

صفحه ۱۵

نگاه

سپاه، انقلاب اسلامی و حیات طیبه

سعید ملکی

پدیده «انقلاب» را باید یکی از بحث‌برانگیزترین و در عین حال نادرترین پدیده‌های اجتماعی به شمار آورد. «چیستی» انقلاب، «چرایی» و «چگونگی» وقوع این پدیده از جمله مباحث پرمنطقه‌ای است که تاکنون هیچ‌گونه وحدت نظری در رابطه با آنها در میان اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی به وجود نیامده است. در این میان چیستی انقلاب را باید در مرتبه‌ای بالاتر از دیگر مباحث مورد ارزیابی و تدقیق قرار داد البته بحث بر سر چیستی انقلاب تنها ناظر به تفاوت این پدیده با پدیده‌های مشابهی چون «کودتا»، «شورش» و «اصلاحات» نیست بلکه در سطوحی کلان‌تر چیستی انقلاب به «ثبات» این پدیده و اساساً «دائمی» بودن آن نبوده این پدیده می‌پردازد. در این رابطه تاکنون ۲ دیدگاه اصلی مطرح شده است. نگرش اول با اعتقاد به اینکه انقلاب‌ها با ساقط کردن نظام‌های سیاسی پیشین و ایجاد نظام سیاسی مطلوب انقلابیون به پایان خود رسیدند، برآند اساساً نباید انقلاب را امری دائمی برشمرد. در این نگرش رسالت اصلی انقلاب‌ها ساقط کردن نظام سیاسی پیشین و ایجاد یک نظام سیاسی جدید است. بنابراین در این نگاه انقلاب تنها ابزاری برای رسیدن به اهداف دیگری چون قدرت سیاسی است.

نگرش دوم با تاکید بر دائمی بودن انقلاب بر آن است اساساً انقلاب امری دائمی و همیشگی است و نمی‌توان و نباید آن را در ساختارهای سیاسی ایجادشده در دوران پس از انقلاب محدود کرد. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر حکیم انقلاب اسلامی به عنوان یکی از معتقدان اصلی این نگرش در دیدار اخیرشان با فرماندهان سپاه انقلاب را حقیقتی ماندگار و دائم و «صبرورث» و تحولی عمیق و پایانی‌ناپذیر خواندند و افزودند: «برخلاف تصورات و القائات اتاق‌فکرهای بیگانه که در داخل هم عده‌ای آنها را تکرار می‌کنند، انقلاب تمام‌شدنی نیست و تبدیل آن به «جمهوری اسلامی» به معنایی که آنها فکر می‌کنند امکان‌پذیر نخواهد بود.» حضرت معظمه در توضیح این امر ضمن تاکید بر آنکه دائمی بودن انقلاب در راستای رسیدن به هدف و آرمان «حیات طیبه» است، فرمودند: «حرکت به سمت این جامعه آرمانی، حرکتی مستمر و در واقع صبرورث و تحول دائم به سمت پروردگار است.» ادامه در صفحه ۵

استقبال از پیکر ۱۰۴ شهید فاجعه منا با حضور سران ۳ قوه و مسؤولان کشوری و لشکری

روحانی: از رهبر انقلاب تشکر می‌کنم

تشییع شهدای فاجعه منا امروز صبح از مقابل دانشگاه تهران



صفحه ۴

هر جای دنیا بگوید شما برای چه تلاش می‌کنید؟ هر چه بشوید به پای ایران که نخواهید رسید! آنها را با آن همه شجاعت و تهور و استقامت به کرنش واداشتیم، شما دیگر چه می‌گویید؟ آن وقت خیال آمریکا از بسیاری از مبارزات دنیای اسلام راحت خواهد شد و دوستان ما در سرتاسر دنیا و کشورهای اسلامی سرخورده می‌شوند! حال که مبارزه به بالاترین حد خود در همه جای دنیا کشیده شده و دوقطبی استکبار و اسلام پنجه در پنجه یکدیگر افکنده‌اند و قطب اسلام هر روز در حال پیشروی بیشتر است، آیا عقابانه است از این همه راه رفته و نفسودی که در قلوب مردم جهان به دست آورده‌ایم عقب‌نشینی کنیم؟ ولو به خاطر لیخند ۲ روزه گرگ؟ آن هم لیخندی که پشتش نقشه‌های چپاول و در هم دریدن ایران و ایرانی است؟

۴- وضع کنونی یعنی عدم اعتماد به آمریکا و قطع رابطه با او نتیجه رفتار طبیعی استکبار آمریکایی است. در واقع نتیجه مظلومیت مقتدرانه ملت ایران است. در عین اینکه اعتماد هیچ فایده‌ای ندارد بلکه ضرر هم دارد. تنها فهرستی از جنایات آمریکا علیه ملت ایران چه در قبل انقلاب و چه بعد انقلاب خود کتابی قطور می‌شود! چپاول منابع، تحقیر مردم و ایران و ایرانی، کودتا علیه دولت مردمی و سرکار آوردن عمال مستبد و خونخوار پهلوی، جاسوسی در سفارت و ایجاد کودتا علیه انقلاب مردمی، دست داشتن مستقیم و غیرمستقیم در ریخته شدن خون صد‌ها هزار جوان پاک ایرانی، توطئه روزافزون و تحریم‌های وحشیانه و ظالمانه برای خشکاندن ریشه ایرانی‌ها، توهین و تحقیر و جوسازی علیه اسلام و ملت ایران در دنیا، حمایت از وحشی‌ترین حکومت‌های منطقه چون رژیم صهیونیستی و آل‌سعود و دیگر آل‌ها و هزاران مثال دیگر که لیستش کتاب قطوری است! بسا این همه جنایات علیه ملت ایران چگونه برخی به دنبال بزک و ایجاد رابطه‌اند؟ چشم خود را چگونه می‌شود بر تاریخ بست؟ اگر اعتماد و رابطه با آمریکا مشکلات را حل می‌کند، چرا آنها در کشور خودشان و بسیاری از کشورهای دیگر که رابطه‌ای تو در تو دارند دچار صدها مشکل لاینحل و عمیق هستند؟ مگر آمریکا بسیاری از دولت‌هایی که در کشورهای‌شان سفارت و رابطه هم دارند تحریم اقتصادی نمی‌کند و ضربات خود را به آنها نمی‌زند؟ حقیقتاً تنها باید از برخی پرسید: با کدامین عقل؟

کدام عقل ارتباط با آمریکا را تجویز می‌کند؟ سینه‌زنی بزک‌کنندگان آمریکا زیر بیرق اعتدال

عرب صحبت با رژیم صهیونیستی و رابطه و حتی آوردن نمش را ننگ می‌دانستند. اینها با مطرح کردن این قضیه آنها را یکی یکی از صفوف ملت و وفاداری به مصالح کشور چه می‌شود؟ عقل چه می‌شود؟ کدام عقلی و کدام وجدانی اجازه می‌دهد انسان قدرتی مثل قدرت آمریکا را به‌عنوان دوست، به‌عنوان مورد اعتماد، به‌عنوان فرشته نجات انتخاب بکند؟ به واقع باید احسن گفت به چنین رهبری که چه زیبا فرمودند آخر کدام عقلی این را می‌پذیرد؟ به واقع عقل هم خوب چیزی است! به واقع عقل حتی اگر عقل ابزاری هم باشد باز شرف دارد به بی‌عقلی و کم‌عقلی برخی!

با نگاهی واقعی به سلبقه، اهداف و سخنان طرف مقابل به درستی می‌توان اهدافش را از باب توافق خواند و اما چگونه است که برخی دوستان نمی‌خواهند باور کنند گرگ همیشه گرگ است ولو پوستین گوسفند بر تن کند. بازخوانی مواضع و اهداف و نتایج آمریکایی‌ها از مذاکرات می‌تواند کمک‌کننده ما در این امر باشد.

۱- اولین هدفی که در سخنان سران آمریکا و آنان توافق و مساله هسته‌ای را که امروز وسیله وحدت ملت است، به وسیله اختلاف ملت ایران تبدیل کنند. تا به حال احاد ملت ایران می‌دانستند که دولت آمریکا دشمن آنهاست و اختلافات را در مقابل دشمن کنار می‌نهند و متحد می‌شدند. آنها می‌خواهند با مساله توافق و سواستفاده از مذاکرات اختلاف بیندازند. به گونه‌ای که این علیه آن و آن علیه این شود؛ هدف به جان هم انداختن دسته‌ها و جریان‌های سیاسی و نتیجتاً مردم است که وحدت ملی را برهم بزنند و توافق را به وسیله اختلاف ملت ایران تبدیل کنند. حال چگونه عقل اجازه می‌دهد با بزک کردن دشمن به این دوگانه دامن زد؟

۲- می‌خواهند با تکرار این قضیه در دیگر باب‌های بین‌المللی مانند مسائل منطقه، حقوق بشر و... قبح قضیه‌ای را که در چشم ملت ایران یکی از زشت‌ترین چیزهاست، از بین ببرند. مانند کاری که سر قضیه اسرائیل با اعراب کردند. روزی دولت‌های

سیدمهدی حاجی‌آبادی: می‌گویند در زمان لسان‌الغیب حافظ، پادشاهی به نام شیخ ابواسحاق می‌زیسته که جوانی خوشگذران و فارغ از های و هوی دنیا بود. چنانکه در اشعار لسان‌الغیب پیادست علاقه‌ای نیز بین او و این پادشاه اهل بزم بوده است. نقل است زمانی که امیر مبارزالدین از کرمان به قصد تصرف شیراز و براندازی حکومت او لشکر کشید، وی غرق در عیش و نوش خود بود و فارغ که دشمن به پشت دروازه‌های شهر رسیده! ابواسحاق وزیر وی داشت دلسوز اما جرات نمی‌کرد به وی خبر را بدهد، زیرا سریعاً با واکنش تند او مواجه می‌شد که «شماها بیخود می‌گویید، چنین چیزی نیست!» وزیر تدبیری اندیشید و به پادشاه گفت که آیا مایل نیستید در این فصل بهار به بالای پشت‌بام برویم و بیابان را نگاهی کنیم که در بهار بسیار دلنشین و زیباست؟ او هم که اهل گل و بلبل و طرب و عیش بود پذیرفت و به بالای پشت‌بام رفت و لشکر اردو زده پشت دیوارهای شهر را که دید رسید اینها کیستند؟ گفتند اردوی مبارزالدین است که آمده پدر شما را در بیاورد!

حال حکایت ابواسحاق نیز حکایت برخی آقایان است که می‌گویند دشمن کجاست؟ و وقتی می‌گویی اگر نیست پس این همه کشت و کشتار، تحریم و ترور و فشار چیست؟ می‌گویند «اینها توهم است!»

شاید به یک معنا اینها گناهی ندارند! چنانکه تنفس‌شان در فضای آکادمیک دانشگاهی و محافل سیاسی تنها به این است که ۴ کلام حرف زده باشند، خواه در پشت کلمات زیبا و اصطلاحات غریبی که خود نیز بعضاً نمی‌دانند چه می‌یابند قایم می‌شوند خواه... بگذریم. اصولاً از ارکان مانیفست و افتخار بزرگ چنین جریانی این است که انگلیسی را بهتر از زبان مادری‌شان سخن می‌گویند!

بالاخره خجالت هم خوب چیزی است. دروغ که حناق نیست در گلو گیر کند! در دانشگاه و محیط به اصطلاح روشنفکری کشور خجالت نمی‌کشند و می‌گویند توهم توطئه است و دشمن علیه ما توطئه نمی‌کند! گفت: مادر من چه اشتباه کند به خیالش که گریه هم لولوست! آمریکایی‌های به این نازنین!

موردی که عتاب رهبر معظم انقلاب را در پی داشت و ایشان ابودرور عصار بر سر بزک‌کنندگان آمریکا کوبیده و فرمودند: «حالا بعضی‌ها اصرار

دریافت پیام‌های شما در شبکه‌های اجتماعی ۰۹۲۱۸۳۶۷۹۶